

فصل اول

فرهنگ جهانی



در سفر گاهی عجله می‌کنیم و از زیبایی‌ها و ظرافت‌های راه غافل می‌شویم؛ گاهی چنان سرگرم پیچ و خم‌های راه می‌شویم که از مقصد می‌مانیم. در فرایند یاددهی - یادگیری نیز گاهی موضوع آن قدر کلی، مختصر و کوتاه می‌شود که از آن سر در نمی‌آوریم؛ در مقابل گاهی جزئیات موضوع آن قدر مفصل و طولانی می‌شود که با سرگرم شدن به آنها از مطالب اصلی باز می‌مانیم. اگر می‌خواهیم چنین نشود باید همواره جزئیات و کلیات موضوع را در ارتباط با هم ببینیم. موضوع کتاب حاضر، نظام جهانی یا زندگی اجتماعی در سطح جهان است. فصل اول، تصویری کلی از موضوع ارائه می‌کند و در فصل‌های بعد، با جزئیات آن بیشتر آشنا می‌شوید. با ما همراه شوید.

● اهداف فصل اول

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. چگونگی تمایز و تعامل جهان‌های تکوینی، ذهنی و فرهنگی را تشریح کند؛ به نقش خود در اثرگذاری بر جامعه، فرهنگ، طبیعت و ماوراءطبیعت و همچنین اثرپذیری از آنها آگاهی یابد و همواره برای اصلاح و بهبود روابط خود با این عرصه‌ها تلاش نماید.

۲. به تصویردقیقی از مفهوم فرهنگ جهانی دست یابد؛ بداند که همهٔ فرهنگ‌ها ظرفیت و ادعای جهانی‌شدن ندارند و برای فرهنگ‌هایی که از ظرفیت لازم برخوردار نیستند ولی با اعمال سلطه از مرزهای قومی و گروهی خود فراتر می‌روند و جهان را عرصه برخوردها و تقابل‌های ویرانگر می‌سازند، نمونه بیاورد.

۳. فرهنگ جهانی مطلوب یا عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول فرهنگی را بشناسد و بر مبنای آن، توان نقد و ارزیابی فرهنگ سلطه را به دست آورد؛ نسبت به گسترش فرهنگ سلطه در دنیا حساسیت کافی پیدا کند؛ مقاومت در برابر اشکال گوناگون فرهنگ سلطه را وظیفه خود بداند و دربارهٔ راه‌های مقابله با آن کنکاش نماید.

۴. به ظرفیت دین اسلام برای ساختن یک فرهنگ جهانی مطلوب پی ببرد و به شکوفایی این ظرفیت علاقه‌مند گردد؛ مراحل تاریخی گسترش عقاید و ارزش‌های اسلام را بشناسد؛ فرصت‌ها و محدودیت‌های هر مرحله را تحلیل کند و در حد توان خود برای رفع موانع پیش روی گسترش فرهنگ اسلامی راهکار ارائه کند.



■ کشتی باجوچه در اسفراین

درس اول

جهان فرهنگی

به چهار گروه تقسیم شوید و در هر گروه با توجه به آنچه در سال‌های گذشته خواندید، یکی از پرسش‌های زیر را بررسی کنید. برای هر گروه یک «دبیر جلسه» و یک «نماینده» انتخاب کنید. دبیر جلسه خلاصه گفت و گوهای اعضای گروه را ثبت می‌کند. نماینده هر گروه دست‌نوشته‌های دبیر جلسه را در کلاس می‌خواند.

- تفاوت جهان اجتماعی و جهان طبیعی در چیست؟
 - سال گذشته فرهنگ را چگونه تعریف کردید؟
 - فرهنگ چه نقشی در هویت‌یابی افراد و جهان اجتماعی دارد؟
 - هویت جهان اجتماعی بیشتر متأثر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) است یا لایه‌های سطحی آن (هنجارها و نمادها)؟ چرا؟
- نمایندگان گروه‌ها، گروه تلفیق را شکل دهند. اعضای گروه تلفیق در مورد ارتباط مباحث هر گروه با یکدیگر گفت و گو کنند، نتیجه و چکیده بحثشان را ارائه نمایند و با راهنمایی دبیر کلاس آن را بازبینی کنند.
- هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد. این پرسش‌های بنیادی کدام‌اند؟ چه پاسخی به این پرسش‌ها داده می‌شود؟ این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ از انسان و جهان را می‌سازند و به مثابه روح یا شالوده آن فرهنگ عمل می‌کنند.

پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند.

- هستی‌شناسانه: پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟
- انسان‌شناسانه: پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟

● معرفت شناسانه: پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟ پاسخ‌های متفاوت به این پرسش‌های اساسی، جهان‌های فرهنگی مختلفی پدید می‌آورد. آیا می‌دانید منظور از جهان فرهنگی چیست؟

جهان انسانی

وقتی به اطراف خود می‌نگریم با پدیده‌های بسیار متفاوتی روبه‌رو می‌شویم. با تأمل بیشتر متوجه می‌شویم که این پدیده‌ها در منظومه‌های بزرگ و مهمی دسته‌بندی می‌شوند. این منظومه‌ها رابه دلیل اهمیتشان «جهان» می‌نامند. یکی از این جهان‌ها، جهان انسانی است. جهان انسانی محصول زندگی انسان است و هر چه با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید مربوط به این جهان است. آیا می‌توانید برخی از پدیده‌هایی را که به جهان انسانی تعلق دارند نام ببرید؟

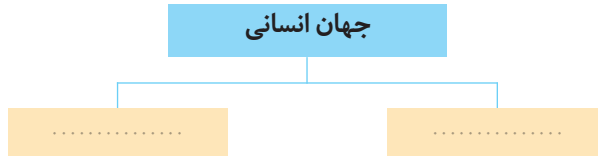
جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود؛ بخش فردی آن به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها باز می‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از ما دانسته‌ها، تجربه‌ها و خلیات ویژه‌ای داریم که افراد دیگر با ما در آنها شریک نیستند.



■ بخش فردی جهان انسانی

بخش اجتماعی آن، زندگی اجتماعی انسان‌ها را در برمی‌گیرد. قبلاً دانستید که این بخش هویت فرهنگی دارد. فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست. از این رو از بخش فردی جهان انسانی به جهان ذهنی و از بخش اجتماعی آن به جهان فرهنگی نیز یاد می‌کنند.

نمودار زیر را تکمیل کنید.



وقتی فردی درباره مسئله‌ای خاص می‌اندیشد، در محدوده فردی و ذهنی خود به سر می‌برد ولی هنگامی که اندیشه خود را به صورت گفتار یا نوشتار بیان می‌کند یا بر اساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به محدوده اجتماعی و فرهنگی وارد می‌شود. بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوعی خاص از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد پدید می‌آورد و به همان نوع، اجازه بروز و ظهور می‌دهد. هر نوع عقیده و اخلاقی نیز جویای فرهنگی متناسب با خود است.



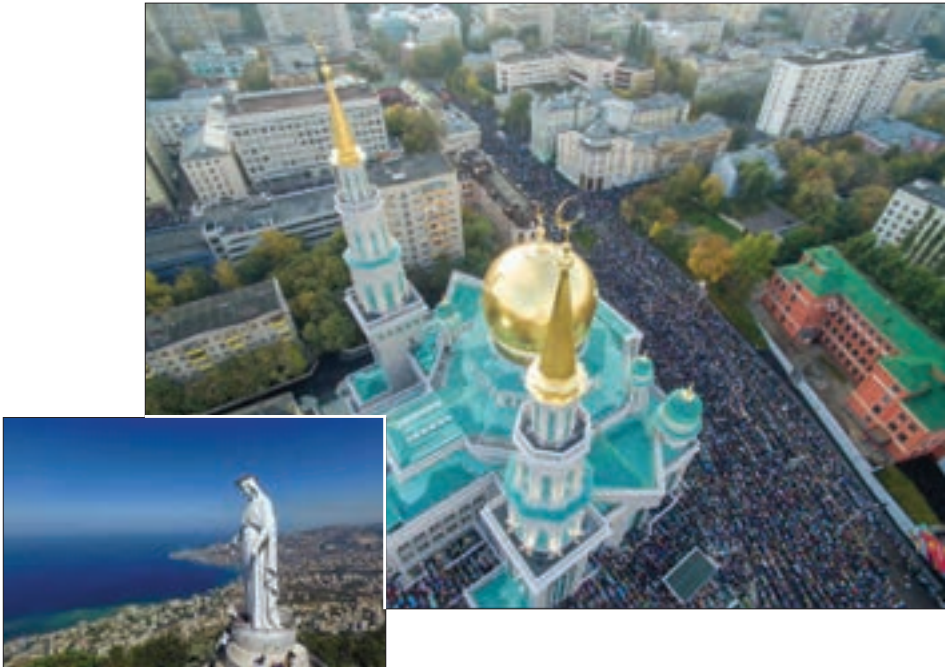
■ ورود اندیشه فردی به حوزه فرهنگ

گفت و گو کنید

درباره راه‌های ورود یک اندیشه فردی به حوزه فرهنگ گفت و گو کنید.

جهان تکوینی

می‌دانیم که تمامی پدیده‌های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند. آیا می‌توانید برخی از این پدیده‌ها را نام ببرید؟ در مقابل جهان انسانی می‌توان از جهان دیگری نام برد که از آن به جهان تکوینی یاد می‌شود. این جهان، پیش از انسان و مستقل از خواست و اراده انسان وجود دارد. جهان تکوینی شامل چه بخش‌هایی است؟

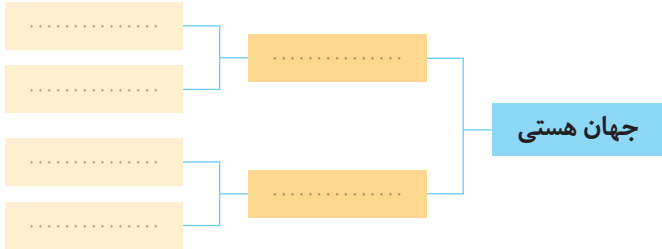


■ جهان هستی و بخش‌های مختلف آن

برخی جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند. این گروه طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند و با تقسیم جهان انسانی به دو جهان ذهنی و فرهنگی از سه جهان سخن می‌گویند. جهان طبیعت، جهان ذهن و جهان فرهنگ.

متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند. نزد آنان جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است. آنها جهان تکوینی را به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.

با توجه به جهان‌هایی که تاکنون از آنها سخن گفتیم، نمودار زیر را تکمیل کنید.



تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی

بین جهان‌های مختلف رابطه و تعامل وجود دارد. قبلاً از تعامل جهان ذهنی و جهان فرهنگی سخن گفتیم. بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه و پیوند برقرار است. دربارهٔ جهان‌های مختلف و چگونگی رابطه و پیوند آنها دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. آیا می‌توانید برخی از این دیدگاه‌ها را حدس بزنید؟



■ تناسب و هماهنگی جهان ذهنی و جهان فرهنگی. خانه شیشه‌ای؛ حیازدایی از خانه در معماری نوین

دیدگاه اول: برخی جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند و جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی می‌دانند. در این دیدگاه ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آنها نظیر علوم طبیعی است. این گروه بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند. نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند. در این باره، در آینده مطالب بیشتری خواهید آموخت.

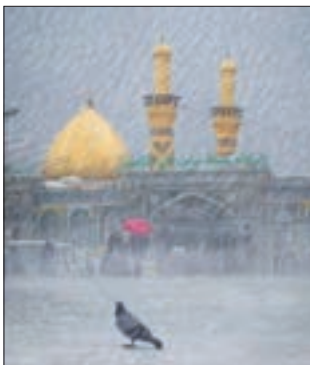
دیدگاه دوم: گروهی دیگر جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند. این گروه جهان ذهنی و فردی افراد را تابع فرهنگ می‌دانند و جهان تکوینی را نیز ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع مختلف می‌دانند. در این دیدگاه جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیت و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.

دیدگاه سوم: رویکرد کسانی است که جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی را مهم و در تعامل با یکدیگر می‌دانند. شما کدام یک از دیدگاه‌ها را صحیح می‌دانید؟ فکر می‌کنید کدام یک فرصت تعامل صحیح انسان با خودش و جهان هستی را فراهم می‌کند؟

در نگاه قرآنی، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست، ادراک و آگاهی نیز به انسان منحصر نمی‌شود و جهان تکوینی بر اساس حکمت و مشیت خداوند سبحان، رفتاری حکیمانه با افراد و جوامع انسانی دارد.

قرآن کریم علاوه بر آنکه برای جامعه و فرهنگ جایگاه ویژه‌ای قائل است و از زندگی و مرگ امت‌ها سخن می‌گوید، جهان فردی اشخاص را نیز نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.

از منظر قرآن هرگاه انسان، اخلاقی الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگی توحیدی برخوردار باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی انسان‌ها می‌گشاید و هرگاه افراد و فرهنگ جامعه، هویتی مشرکانه داشته باشند زمین و آسمان از تعامل سازنده با آنها باز می‌مانند و ظرفیت‌های الهی و آسمانی خود را از آنها پنهان می‌کنند.



■ حماسه حسینی، حماسه‌ای مقدس با مصائب فراوان که آثار و برکاتش پیوسته ساری و جاری است.

برخی دیدگاه‌ها، مانع شناخت صحیح انسان و جهان هستی می‌شوند. اگر انسان از خویشتن و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی و شکوفایی استعدادهای خویش در می‌ماند. قرآن کریم از باورها و اعمالی که مانع دستیابی انسان به حقیقت خویش و جهان هستی می‌شوند، به اغلال و سلاسل یاد می‌کند. اغلال و سلاسل، زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کشند.



■ با گرم شدن کره زمین، نه فقط طبیعت به مخاطره افتاده است بلکه پیش بینی می‌شود که در سال‌های آینده شهرهای بسیاری از جمله لندن و فلوریدا در آب فرو روند.

– وضعیت امروزی محیط زیست، محصول چه باورهایی درباره انسان و طبیعت است؟
– برخی آیات قرآن کریم مانند آیه ۴۱ سوره روم، آیه ۹۶ سوره اعراف، آیه ۲۷۶ سوره بقره و ... از تعامل فعال جهان تکوینی با جهان اجتماعی و فرهنگی سخن می‌گویند. نمونه‌های این تعامل را در این آیات بیابید.

مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید:

جهان فرهنگی،

خلاصه کنید

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید. در این قسمت مفاهیم اساسی را تعریف می کنید یا ارتباط آنها را نشان می دهید.

– بخش اجتماعی جهان انسانی هویتی فرهنگی دارد و از آن با عنوان جهان فرهنگی یاد می شود.

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می توانید جمله ها و گزاره هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته های خود را بخوانید و با راهنمایی دبیر خود، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در کتاب خود بنویسید..



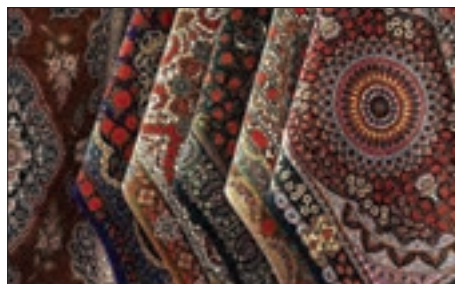
درس دوم فرهنگ جهانی

فرهنگ‌های مختلف، گسترهٔ جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند. در طول زمان در یک سرزمین واحد، فرهنگ‌های متفاوتی، پدید می‌آیند و در زمان واحد در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند. برخی از فرهنگ‌ها عمری کوتاه دارند و برخی مدتی طولانی دوام می‌آورند. برخی در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند. نه تنها فرهنگ‌ها بلکه عناصر و اجزای فرهنگ‌ها نیز این‌گونه‌اند؛ برخی عناصر فرهنگی، تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارند و برخی این‌گونه نیستند.

در سرزمین پهناور ایران در طول تاریخ چه فرهنگ‌هایی شکل گرفته‌اند؟ چه عناصری از این فرهنگ‌ها باقی مانده است؟



■ فرش بازریک، کهن‌ترین فرش دنیا؛ اثری ایرانی هخامنشی



■ تداوم عنصر فرهنگی در گذر زمان

چه فرهنگ‌هایی جهانی می‌شوند؟

قبلاً دانستید که فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آنها برمی‌گردد. یعنی روح و شالوده فرهنگ‌ها متنوع است. فرهنگ‌ها از نظر گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی نیز متنوع‌اند. این آموخته‌ها، زمینه‌ای برای پاسخ به پرسش‌های زیر فراهم می‌کند. فرهنگ جهانی چیست؟ چرا برخی از فرهنگ‌ها جهانی می‌شوند؟

فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در پهنه جهان گسترش می‌یابد فرهنگ جهانی است. فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آنها ناظر به قوم و منطقه خاصی است از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.



■ برخی فرهنگ‌ها ظرفیت جهانی شدن ندارند.

در طول تاریخ، فرهنگ‌هایی وجود داشته‌اند که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به‌سوی جهانی شدن گام برداشته‌اند. این فرهنگ‌ها دوگونه‌اند: گونه نخست: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن ناظر به قوم، منطقه یا گروه خاصی است. چنین فرهنگی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به مناطقی دوگانه تقسیم می‌کند؛ یکی از این دو منطقه مرکزی و دیگری پیرامونی است. منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد. فرهنگ صهیونیسم بین‌الملل و فرهنگ سرمایه‌داری دو نمونه از این گونه‌اند. آیا می‌دانید صهیونیسم چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی دارد؟ صهیونیسم آرمان‌ها و ارزش‌های خود را متوجه نژاد خاصی می‌داند و با رویکرد دنیوی و این جهانی خود، دیگران را در خدمت این نژاد به کار می‌گیرد.



■ شهرک‌سازی یهودیان در فلسطین

در مورد فرهنگ سرمایه‌داری چه می‌دانید؟ سرمایه‌داری کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون و حاشیه آن به خدمت می‌گیرد. فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه و گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگران را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار است. گونه دوم: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه و قوم خاصی نیست بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

گفت‌وگو کنید

فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد همان فرهنگ حق است. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد. درباره نمونه‌های تاریخی فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آنها با هنجارها و رفتارهایشان سازگار نیست، گفت‌وگو کنید.

فرهنگ جهانی مطلوب چه ویژگی هایی دارد؟

«هرکس، فردی را بی آنکه مرتکب قتل یا فساد در زمین شده باشد، بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است» (مائده: ۳۲)

«تار و پود عالم امکان به هم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد»
(صائب تبریزی)

«هم‌زبانی» خویشی و پیوندی است
مرد با نامحرمان چون بندی است
ای بسا هندو و ترک هم‌زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست
همدلی از هم‌زبانی بهترست
غیرنطق و غیر ایما و سجل
صد هزاران ترجمان خیزد زدل
(مولوی)

«نه افغانیم و نی ترک و تاریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
چمن زادیم و از یک شاخساریم
که ما پروردهٔ یک نوبهاریم»
(اقبال لاهوری)

به نظر شما وجه اشتراک مطالب بالا چیست؟ عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آنها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان‌شمول یاد می‌شود. آیا می‌توانید به برخی از ارزش‌های عام و جهان‌شمول اشاره کنید؟

- تصور کنید ما انسان‌ها برای تشخیص صحیح یا غلط بودن اندیشه‌ها، افکار و اعمال هیچ‌گونه میزان و معیاری نداشتیم در آن صورت چه وضعیتی پیدا می‌کردیم. در چه صورتی یک فرهنگ از چنین معیارهایی محروم می‌شود؟ فرهنگ‌هایی که به حقیقتی قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.
- آدمی دربارهٔ مرگ و زندگی خود پرسش‌های بنیادینی دارد که باید به آنها پاسخ داد. او علاوه بر نیازهای مادی و دنیوی، نیازهای ابدی و معنوی دارد. فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی است و از نیازهای ابدی و معنوی انسان چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. فرهنگ جهانی باید از ارزش جهان‌شمول معنویت برخوردار باشد.



● در چه صورتی می توان مانع قطبی شدن جهان و بهره کشی ظالمانهٔ برخی، از برخی دیگر و در نتیجه مانع پایمال شدن حقوق انسان ها شد؟ چگونه می توان از تفرقه بین جوامع و تباہ ساختن منابع و امکانات بشر، پیشگیری کرد؟ چاره این امر، ارزش جهان شمول عدالت و قسط است که فرهنگ جهانی باید در لایه های مختلف خود به آن معتقد و پایبند باشد. «آسمان ها و زمین با عدالت پابرجا می ماندند.»

● برخی قید و بندها مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی اش می شوند و زمینه ظلم بر او را فراهم می کنند. فرهنگ جهانی باید حریت و آزادی انسان از این قید و بندها را تأمین نماید. آزادی همواره دو پرسش به همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امر دیگری است. به این پرسش ها براساس ارزش های جهان شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می شود. با پاسخی که به این دو پرسش داده می شود، معنای آزادی مشخص می گردد.

● برخی فرهنگ ها رویکرد جبرگرا و غیرمسئول دارند. فرهنگ های جبرگرا منکر نقش انسان ها در تعیین سرنوشتشان می باشند، قدرت مقاومت را از آدمیان می گیرند، آنها را به موجوداتی منفعل تبدیل می کنند و زمینه نفوذ سلطه گران را فراهم می آورند.



■ در فرهنگ های جبرگرا انسان ها در تعیین سرنوشت خود دخالتی ندارند.



■ تلاش در جهت سازندگی؛ پیشبرد و اعتلای فرهنگ



■ پدر آموزش ایلات و عشایر؛ محمد بهمن بیگی
«اینک شما را به قیام مقدس دعوت می‌کنم. قیام برای
باسواد کردن مردم ایلات»

فرهنگ جهانی باید روح تعهد و مسئولیت را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.

فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد؛

- ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر درباره انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، توان دفاع از هویت خود را از دست می‌دهد.

- بشر علاوه بر پرسش‌های بنیادین، با شرایط تاریخی مختلفی مواجه می‌شود که پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی ایجاد می‌کند. فرهنگ جهانی باید بتواند براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد.

آیا تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌هاست؟ قبول تفاوت‌ها و احترام به آنها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش این تفاوت‌ها در عین اینکه صلح جهانی را در برابر جنگ و خشونت پاس می‌دارد، انگیزه شناخت متقابل را فراهم می‌کند. «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.» (حجرات: ۱۳)

مراسم حج نمونه بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست. در این مراسم انسان‌ها از زن و مرد گرفته تا اقوام، ملت‌ها و نژادهای متفاوت در جایگاهی برابر در یک مکان و زمان جمع می‌شوند و در کنار همدیگر در مسیر خداپرستی رشد می‌کنند.

قبلاً از تناسب زندگی فردی با زندگی فرهنگی سخن گفتیم. اگر فرهنگ جهانی ویژگی‌های جهان‌شمول گفته شده را داشته باشد، انسان‌هایی که در چنین فرهنگی پرورش می‌یابند چه ویژگی‌هایی خواهند داشت؟ چه انسان‌هایی و با چه ویژگی‌هایی می‌توانند چنین فرهنگی را پدید آورند؟

خلاصه کنید

- فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می کند و در پهنه جهان گسترش می یابد، فرهنگ جهانی است.

مفاهیم اساسی

فرهنگ جهانی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



درس سوم نمونه های فرهنگ جهانی ۱

ابونصر محمد فارابی (۳۳۰ - ۲۶۰ هـ.ش) در گونه‌شناسی خود از جوامع، یکی از انواع جوامع جاهلی را جامعه «تغلب» می‌نامد. او در تعریف این نوع از جامعه می‌نویسد که در جامعه تغلب، مردم برای غلبه یافتن بر سایر ملت‌ها، با یکدیگر همکاری می‌کنند و این هنگامی پیش می‌آید که همه مردم، شیفته غلبه بر اقوام و ملل دیگر شوند. هدف این مردم خوار و مقهور کردن دیگران است. می‌خواهند ملت مقهور، نه مالک جان خود باشد و نه مال خود و نه هیچ چیز دیگر. چنین افرادی دوست دارند که بر یکایک مردم جامعه خود نیز چیره شوند ولی از آنجا که مردم جامعه برای بقای خود، برای غلبه بر اقوام دیگر و برای ممانعت از غلبه اقوام دیگر بر خود، به هم نیازمندند، ناچارند از چیرگی بر یکدیگر خودداری نمایند.

چنین مردمی گمان می‌برند تنها آنان هستند که خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگرانند و باید باشند و از همه جوامع دیگر برترند. مردم جوامع دیگر به نظر آنان خوار و بی‌ارزش شمرده می‌شوند. این گونه اندیشه‌ها در آنان حس خودخواهی رازنده می‌کند. همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کرده و چاپلوسی نمایند. گمان می‌برند که ملت‌های دیگر نتوانسته‌اند به موقعیتی که آنان به‌دست آورده‌اند، برسند و اصولاً ملل دیگر چنین سعادت‌ی را نمی‌شناسند.

آیا فارابی با این توضیح توانسته به شما بگوید که آرمان و ارزش اجتماعی برتر جامعه تغلب کدام است؟ آیا چنین فرهنگی در محدوده مرزهای جغرافیایی و قومی خود باقی می‌ماند؟ اگر چنین فرهنگی در راه جهانی شدن قدم بگذارد چه آثار و نتایجی در پی دارد؟

جهان‌گشایی و امپراتوری

فرهنگ‌های بسیاری از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به سوی جهانی شدن حرکت کرده‌اند. برخی از آنها فرهنگ سلطه و استکبار بوده‌اند. عملکرد فرهنگ سلطه در گذر تاریخ چگونه بوده است؟ نمونه‌های مختلف این فرهنگ کدام‌اند؟

برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند. در گذشته تاریخ، فرهنگ سلطه و استکبار، امپراتوری‌های بزرگ را به وجود آورده است. امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی و جهان‌گشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد. جهان‌گشایی و امپراتوری، اغلب با کشتار و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه است. اسکندر تخت جمشید را به آتش کشید. مغولان برخی شهرها را از دم تیغ گذراندند و حیوانات آنها را نیز نابود کردند.

بخوانیم و بدانیم

در نتیجه تهاجم مغول، شهری که چشم و چراغ تمام ماوراءالنهر و مکان اجتماع فضلا و دانشمندان بود، آن چنان ویران گردید که فراریان معدود این شهر جز جامه‌ای که بر تن داشتند چیزی دیگر نتوانستند با خود برند. یکی از اهالی بخارا که پس از آن واقعه جان سالم به در برده و به خراسان گریخته بود؛ چون حال بخارا را از او پرسیدند، جواب داد: «آمدند و کُندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند».

جماعت زیرکان که این تقریر شنیدند، اتفاق کردند که در پارسی موجز تر از این سخن نتواند بود.

(تاریخ جهانگشای جوینی)

آیا غلبه نظامی همواره با غلبه فرهنگی همراه است؟ در تاریخ اقوامی بوده‌اند که با قدرت نظامی بر دیگر اقوام تسلط پیدا کرده‌اند. غلبه نظامی گرچه به حضور مستقیم قوم مهاجم در مناطق جغرافیایی مختلف منجر می‌شود، اما همیشه بسط فرهنگی آنها را به دنبال نمی‌آورد.



■ سنگ‌نوشته به‌جامانده از سلوکیان به خط یونانی



■ آثار به‌جامانده از سلوکیان در ایران

قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، در صورتی که هویت فرهنگی خود را حفظ کند با ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به‌دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد می‌تواند گروه مهاجم را درون فرهنگ خود هضم نماید و ایشان را به‌خدمت گیرد.

ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی خود داشتند اما جهان‌گشایی آنان به جهانی شدن فرهنگشان منجر نشد.

مغولان نیز با قدرت نظامی خود مناطق وسیعی از جهان را تصرف کردند ولی فرهنگ مغولان، قومی و قبیله‌ای بود و شایستگی‌های لازم را برای یک فرهنگ جهانی نداشت. آنان به‌سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی شکست خورده بودند. به همین دلیل امپراتوری مغول در چین، هند و ایران تحت تأثیر فرهنگ‌های اقوام مغلوب، هویتی چینی، هندی و ایرانی پیدا کرد و به صورت سه حکومت مستقل درآمد.



■ محراب الجایتو



■ سکه‌های دوره مغول منقوش به آیات قرآن



■ تصاویر مسجدالاقصی و قبة الصخره در حاشیه دامن وزیر فرهنگ و ورزش رژیم صهیونیستی در جشنواره سینمایی کن. جهت تأکید بر این ادعا که بیت المقدس، پایتخت تاریخی و همیشگی اسرائیل به شمار می‌رود.



■ مسجد جامع النوری و مناره الحدباء، نماد شهر موصل با سابقه تاریخی ۸۰۰ ساله که توسط داعش منهدم شد.

تحلیل کنید

به نظر شما فرهنگ سلطه به دنبال چه نوع تأثیرات فرهنگی بر جوامع مغلوب است؟ چرا؟

امپریالیسم و استعمار

اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می‌شناسیم. فرهنگ غرب در این مدت، اشکال مختلفی از سلطه را پدید آورده است که از آن با نام‌هایی مانند امپریالیسم و استعمار یاد کرده‌اند. درباره این دو واژه چه می‌دانید؟



■ استفاده یک آمریکایی از کودک افریقایی به جای صندلی



■ سربازان مزدور ارتش مستعمراتی فرانسه در آمریکا

واژه امپریالیسم از امپراتوری گرفته شده است و به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود. امپریالیسم چه اشکال و انواعی دارد؟

امپریالیسم سیاسی از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد. امپریالیسم اقتصادی در جایی رخ می‌دهد که قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند.

امپریالیسم فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرار گرفته است، فرو ریزد و قوم مغلوب، برتری فرهنگی جامعه مسلط را نیز بپذیرد.

استعمار بر اشغال یک سرزمین خارجی، با توسل به قدرت نظامی و سیاسی دلالت می‌کند. کشور فاتح را دولت استعماری و کشور به بند کشیده شده را مستعمره می‌نامند. استعمار نوعی از جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم به بعد توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. در قرن نوزدهم، تصرفات اروپاییان از ۳۵ درصد کره زمین به ۶۷ درصد رسید.



موفقیت‌های استعمار در این دوران ناشی از پیشرفت در زمینه دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود. استعمار اروپایی در سده هفدهم و هجدهم میلادی بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت را برپا کرد.

اروپاییان در هجوم به قاره آمریکا، برای تأمین سلطه خود، به نسل‌کشی و از بین بردن ساکنان بومی پرداختند. آنها در یک دوره پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند.



■ بنای یابود تجارت برده در امتداد جاده بردگان در غرب کشور بنین که یادآور آفریقایی‌هایی است که در قرون ۱۶ تا ۱۹ میلادی ربوده و به غرب فروخته می‌شدند.

ببینیم و بدانیم

مستند «انگلیسی‌ها و تجارت برده» به بررسی تاریخ سیاه تجارت برده در انگلستان می‌پردازد. با تماشای این مستند به آثار و پیامدهای بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ، در اروپا و آفریقا پی می‌برید.

سلطهٔ جهان غرب بر کشورهای دیگر به سلطه نظامی محدود نشد بلکه به مرور اشکال جدیدی از آن پدیدار شد.

استعمار نو پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانهٔ کشورهای مستعمره طی قرن بیستم به وجود آمد. در استعمار نو، کشورهای استعمارگر با استفاده از ظرفیت‌هایی که در دورهٔ استعمار ایجاد کرده‌اند، از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره، برای نیل به اهداف استعماری خود استفاده می‌کنند.

دولت‌های استعمارگر برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند. کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و همچنین کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضا پهلوی دو نمونه موفق از کودتاهای استعمار نو و کودتای امریکایی-انگلیسی نوژه، که به قصد ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران طراحی شده بود، نمونه شکست خورده آن می‌باشد.



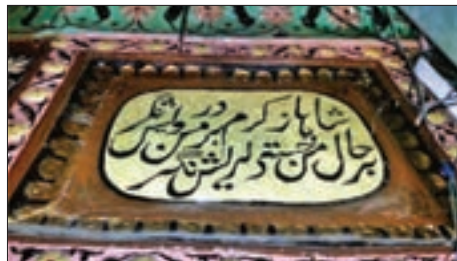
■ تبلیغات نستله در نیجریه



■ تبلیغات کوکاکولا در محلات فقیرنشین هند

در استعمار نو، کشور استعمارگر با اتکا به قدرت اقتصادی خود و با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و همچنین از طریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

در استعمار فرانو بیش از آنکه از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده شود، ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد.



■ زبان فارسی پیش از آنکه هندوستان مستعمره انگلستان شود، دومین زبان رسمی و زبان فرهنگی و علمی این کشور بود. اما در سال ۱۸۳۶، انگلیسی‌ها، زبان انگلیسی را به جای فارسی، زبان رسمی هند کردند.

در استعمار قدیم، استعمارگران حضور مستقیم و آشکار دارند. در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند. در استعمار فرانو، استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند. جهان غرب در استعمار فرانو، هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد؛ یعنی به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد و به جای آن، باورها و ارزش‌های فرهنگ غرب را تبلیغ و ترویج می‌کند.

مردمی که برتری مطلق فرهنگی جهان غرب را پذیرفته باشند، هویت خود را در حاشیه جهان غرب جستجو می‌کنند و مسیری را که جهان غرب برای آنان ترسیم می‌کند دنبال می‌نمایند. استعمار فرانو، گسترش و سلطه فرهنگ غرب بر همه جهان و غربی کردن جهان را در پوشش نام «جهانی شدن» پیگیری می‌کند.

گفت‌وگو کنید

– درباره مراحل گسترش سلطه غرب و وجه غالب هر مرحله (حضور آشکار، نیمه آشکار، پنهان و استفاده از ابزار متفاوت) تأمل کنید. آیا وجه غالب هر مرحله در مراحل دیگر وجود ندارد؟ و اگر وجود دارد نشان‌دهنده چیست؟

– مفاهیم تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی و... به کدام یک از مراحل استعمار مرتبط است؟ به نظر شما کشور ما برای مقابله با این شکل از استعمار چه ظرفیت‌هایی دارد؟

مفاهیم اساسی

فرهنگ سلطه،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

–امپریالیسم به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود و می‌تواند صورت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



درس چهارم نمونه های فرهنگ جهانی ۲

اسلام دینی است که با دعوت فراگیر خود، تکوین یک فرهنگ جهانی را در دستور کار قرار داده است. اسلام، دین یک عصر و نسل خاص نیست. اصول اعتقادی و ارزش‌های آن، اصول و ارزش‌های ثابتی است که همه انبیا در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آنها مبعوث شده‌اند. این اصول و ارزش‌ها مطابق با نظام آفرینش و موافق با فطرت آدمیان است بنابراین عقاید و ارزش‌های اسلامی به قوم و گروه خاصی تعلق ندارند بلکه خصلتی جهانی دارند. توحید، حکایت از خداوند واحدی دارد که خدای قوم و قبیله خاصی نیست؛ بلکه خداوند همهٔ آدمیان و پروردگار همهٔ جهان‌هاست. همهٔ موجودات از او پدید آمده و به سوی او باز می‌گردند. او عالم را حکیمانه آفریده و تدبیر می‌کند.

انسان در دیدگاه اسلام، موجودی مختار، مسئول، متعهد، دارای فطرتی الهی و خلیفهٔ خداوند در زمین است. سعادت و عزت انسان در تقرب و نزدیک شدن به خداوند و رسیدن به مقام خلافت الهی است و شقاوت و ذلت او در نسیان و فراموشی حقیقت الهی خود و دیگر موجودات و هزینه کردن تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های الهی خود، برای زندگی محدود این جهان است. انسان مسئول آباد کردن این جهان و موظف به پرهیز از فساد در خشکی و دریاست.

عقل در فرهنگ اسلام، زیباترین و محبوب‌ترین مخلوق خداوند است. پیامبران برای برانگیختن عقل آدمیان، اجرای عدالت و قسط، جلوگیری از چرخش ثروت در دست اغنیا و برای آزادسازی مستضعفان از حاکمیت مستکبران، مبعوث شده‌اند. آنان برای رهایی آدمیان از زنجیرهایی آمده‌اند که انسان‌ها را به بندگی انسان‌ها و بت‌های انسان ساخته وادار می‌سازند. اسلام، مسلمانان را موظف به تلاش برای آزادی مستضعفان می‌داند و پیروزی

مستضعفان بر مستکبران و حاکمیت دین حق را به همه بشریت نوید می‌دهد. توانمندی‌های اسلام برای ساختن یک فرهنگ جهانی چیست؟ اصول و ارزش‌های فرهنگ جهانی مطلوب در آموزه‌های اسلامی چه جایگاهی دارند؟

مراحل گسترش فرهنگ اسلامی

عقاید و ارزش‌های اسلامی چگونه به فرهنگ بشری وارد شدند و فرهنگ اسلامی در مراحل گسترش خود چه دوره‌هایی را پشت سر گذاشته است؟

عقاید و ارزش‌های اسلامی با پذیرش انسان‌ها به عرصه فرهنگ بشری راه می‌یابند و جلوه و نمود تاریخی پیدا می‌کنند. آیا می‌دانید عقاید و ارزش‌های اسلامی در تاریخ گسترش خود چه مرحله‌ای را پیموده‌اند؟



عصر نبوی: شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام، فرهنگ جاهلی قبیله‌ای داشت. شمال غربی شبه جزیره، تحت نفوذ و سلطه امپراتوری روم و جنوب شرقی آن تحت تأثیر و سلطه شاهنشاهی ایران بود. در چنین شرایطی، خداوند سبحان، پیامبر خود را با آیات روشن‌گر برای تبلیغ توحید و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه بشری برانگیخت.

رسول خدا پس از سیزده سال دعوت و مقاومت در برابر فشارهای نظام قبیله‌ای عرب، حکومت اسلامی را تشکیل داد و طی ده سال حکومت، موانع سیاسی پیش روی اسلام در شبه جزیره عربستان را از بین برد. در سال نهم هجرت، گروه‌های مختلف برای پذیرش اسلام از سراسر شبه جزیره به مدینه آمدند. پیامبر خدا در حالی رحلت نمود که نامه‌های دعوت خود را پیش‌تر به امپراتوری‌های ایران و روم فرستاده بود.

دوران خلافت: این دوران از زمان رحلت رسول خدا (ص) آغاز شد و در طول خلافت اموی، عباسی و عثمانی ادامه یافت.



■ مسجد اموی در دمشق



■ مسجد جامع سامراء از مساجد مشهور دوره عباسیان

ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جاهلی در عصر نبوی تا فتح مکه، در برابر اسلام آشکارا مقاومت کرده بود و از آن پس، در پوشش نفاق خزیده بود. این ارزش‌ها در دوران خلافت، دوباره در جامعه اسلامی نمایان شد و به تدریج اقتدار جامعه اسلامی را در چارچوب مناسبات قبیله‌ای و عشیره‌ای سازمان بخشید. اما عقاید و ارزش‌های جهانی اسلام، فارغ از عملکرد قدرت‌های سیاسی و با تلاش و کوشش عالمان مسلمان، از مرزهای جغرافیایی و سیاسی جوامع مختلف عبور کرد و بر قدرت‌های سیاسی که در این مناطق حضور داشتند، تأثیر گذاشت. فرهنگ اسلامی، به دلیل قدرت و غنای خود، گروه‌های مهاجم بیگانه را نیز درون خود هضم و جذب می‌کرد و دست کم آنان را ناگزیر می‌ساخت تا برای استمرار و بقای خود در ظاهر از مفاهیم و ارزش‌های دینی استفاده کنند.



■ کاخ دلمه باغچه در استانبول، محل اقامت و مقر حکومت آخرین سلاطین عثمانی که در ساخت آن ۱۴ تن ورقه طلا به کار رفته است.

غلبه قدرت‌هایی مانند سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغولان، عثمانی و... که در چارچوب فرهنگ قومی و قبیله‌ای رفتار می‌کردند نیز مانع از آن می‌شد تا ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اجتماعی آن به طور کامل آشکار شود.

اسلام مواریث و آداب بی‌زبان اقوام مختلف را تحمل کرد، همه را به هم درآمیخت و از آن چیز تازه‌ای ساخت. فرهنگ تازه‌ای که حدود و ثغور نمی‌شناخت و تنگ‌نظری‌هایی که دنیای سرمایه‌داری را به ملت‌ها، مرزها و نژادها تقسیم می‌کرد در آن مجهول بود. مسلمان از هر نژاد که بود؛ عرب یا ترک، سندی یا افریقایی، در هر جایی از قلمرو اسلام قدم می‌نهاد، خود را در وطن و دیار خویش می‌یافت. همه جا، در مسجد، در مدرسه، در خانقاه، در بیمارستان از هر قوم مسلمان نشانی بود و یادگاری. اما بین مسلمانان نه اختلاف جنسیت مطرح بود نه اختلاف تابعیت. همه جا یک دین بود و یک فرهنگ. فرهنگ اسلامی که فی‌المثل زبانش عربی بود، فکرش ایرانی، خیالش هندی و ... اما دل و جانش اسلامی بود و انسانی. پرتو آن در سراسر قلمرو اسلام وجود داشت؛ مدینه، دمشق، بغداد، ری، نیشابور، قاهره، قرطبه، غرناطه، قونیه، قسطنطنیه، کابل، لاهور و دهلی. زادگاه آن هم همه جا بود و هیچ جا. در هر جا از آن نشانی بود و در هیچ جا رنگ خاصی بر آن قاهر نبود. اسلامی بود، نه شرقی و نه غربی. با این همه، رشد و نمو آن در طی مدت سه - چهار قرن متوالی چنان سریع بود که فقط به یک معجزه شگرف می‌مانست.

(عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام)



پرتو فرهنگ اسلامی از مالزی تا اسپانیا

تحقیق کنید

کدام بخش از ارزش‌های اجتماعی اسلام با حاکمیت‌های قومی قبیله‌ای نادیده گرفته می‌شد. درباره نادیده انگاشتن ارزش‌هایی چون اخوت اسلامی، عدالت، تقوا، قانون‌گرایی، اتحاد، همبستگی و ... تحقیق کنید.

استعمار و بیداری اسلامی

در درس گذشته با استعمار غربی و صورت‌های مختلف آن آشنا شدید. فرهنگ اسلامی و استعمار غربی چگونه با هم مواجه شدند؟ استعمار غربی چه تأثیری بر فرهنگ اسلامی گذاشت و فرهنگ اسلامی با استعمار غربی چه برخوردی داشت؟



■ گسترش اسلام در کشورهای غربی

دوره استعمار: دولت‌های استعماری غربی، بخش‌های مختلف جوامع اسلامی را تحت نفوذ و سلطه سیاسی خود درآوردند و قدرت نظامی و صنعتی آنان، بیشتر رجال سیاسی و دولتمردان جوامع اسلامی را مقهور خود ساخت.

قدرت سیاسی جوامع اسلامی که تا قبل از استعمار، بیشتر ریشه در مناسبات قومی و قبیله‌ای داشت، در دوران استعمار، از طریق سازش با دولت‌های غربی، با قدرت استعمارگران پیوند خورد و این مسئله سبب شد تا استبداد ایلی و قومی به صورت استبداد استعماری درآید.

تفاوت راهبردی استبداد تاریخی - قومی با استبداد استعماری در این است که استبداد قومی به رغم هویت غیراسلامی خود - به دلیل اینکه پشتوانه و عقبه‌ای خارج از جغرافیای جهان اسلام نداشت - از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری می‌گزید و تلاش می‌کرد با رعایت ظواهر اسلامی، ظاهر دینی خود را حفظ نماید، اما استبداد استعماری به دلیل اینکه در سایه قدرت و سلطه جهان غرب عمل می‌کرد، در جهت گسترش نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت.



■ به دنبال تصویب قانونی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ ه. ش، زنان و دختران ایرانی از استفاده از چادر، روبنده و روسری منع شدند.



■ تکیه دولت: بنایی که برای برگزاری مراسم ایام عاشورا و اجرای تعزیه به فرمان ناصرالدین شاه برپا شد.

عصر بیداری اسلامی: در مقابل نفوذ و سلطه فرهنگ غرب، مقاومت‌هایی شکل گرفت که ریشه در فرهنگ اسلامی داشت. متفکران جهان اسلام، خطرات سلطه فرهنگ غرب و فراموشی فرهنگ و هویت اسلامی را گوشزد کردند.



■ امام موسی صدر از پیشگامان بیداری اسلامی



■ سید جمال‌الدین اسدآبادی از نخستین بیدارگران اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در بازگشت به فرهنگ اسلامی در جهان اسلام است. بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، برای مقابله با سلطه استعمار، از مکاتب و روش‌های غربی مانند ناسیونالیسم^۱ (ملّی‌گرایی) یا مارکسیسم^۲ استفاده می‌کردند. این مکاتب علاوه بر اینکه وحدت امت اسلامی را مخدوش می‌ساختند، مورد حمایت مردمی که در دامان فرهنگ اسلام تربیت یافته بودند نیز قرار نمی‌گرفتند. امت اسلامی با الهام از انقلاب اسلامی و بازگشت به سوی هویت الهی خود مرحله جدیدی را در گسترش فرهنگ جهانی اسلام رقم می‌زند.



■ شیخ ابراهیم زاکزاک‌کی رهبر جنبش اسلامی نیجریه

- ۱- مجموعه‌ای از باورها و نمادها که دلبستگی و تعلق به ملت و عناصر تشکیل دهنده آن از قبیل سرزمین، نژاد، قوم و زبان را بیان می‌کند. بر این اساس صرفاً تعلق خاطر و وابستگی به چنین عناصری آرمان و ارزش اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود و هویت ملت‌ها را تعیین می‌کند و آنها را از سایر ملت‌ها جدا می‌سازد.
- ۲- تفکری است که عناصر اصلی آن از اندیشه‌های مارکس، فیلسوف و جامعه‌شناس انقلابی آلمانی در اواخر قرن نوزدهم ساخته شده است. مارکسیسم، تنها راه‌هایی از نظام سرمایه‌داری و مصائب آن را انقلاب طبقاتی (انقلاب کارگران علیه سرمایه‌داران) می‌داند.

ببینیم و بدانیم

فیلم‌هایی مانند محمد رسول الله ﷺ، عمر مختار، سربداران و معرف دوره‌ای از دوره‌های گسترش فرهنگ اسلامی است. با دیدن این فیلم‌ها و مقایسه آنها به نتایج خوبی دست پیدا می‌کنید.

تحقیق کنید

درباره تأثیرات صدسال اخیر ناسیونالیسم در جهان اسلام تحقیق کنید.

